



عکس: CNN

ابومهندس، معاون فرمانده کل نیروهای حشد الشعبی عراق:

با ائتلاف آمریکایی هیچ همکاری یا گفت‌وگویی نداریم

حشد الشعبی با خلاّ امنیتی مرزهای سوریه می‌خواهد چه کند؟

در چارچوب آزادسازی موصل، نقشه‌ها تأمین مرزهای سوریه هم طراحی شده است. باید هرگونه کمک‌رسانی به داعش در عراق قطع شود. این مأموریت به نیروهای حشدالشعبی واگذار شده است.

ح نیروهای حشدالشعبی چه جایگاهی در عراق و منطقه دارند؟

نیروهایی رزمی هستند که همه طیف‌های عراقی در آن حضور دارند و تابع دولت است. ما طرفدار یکپارچگی عراق و همراه با دولت و طرفدار قانون هستیم.



ح نقش شما بعد از موصل چه خواهد بود؟

ما همان کاری را می‌کنیم که بقیه نیروها می‌کنند. اگر تجاوزی باشد با آن مقابله می‌کنیم وگرنه به همان آموزش و بسیج خودمان می‌پردازیم. الحشدالشعبی یک سپر دفاعی برای عراق است.

ح آیا شما بعد از عملیات موصل عناصر داعش را در سوریه هم دنبال خواهید کرد؟

بله، ما آنها را در هر جایی باشند تعقیب می‌کنیم. هر نیرویی را که امنیت عراق را تهدید کند، تعقیب خواهیم کرد.

ح شما در عرصه سیاسی چه نقشی خواهید داشت؟

مأموریت اصلی ما روشن است: غلبه بر تروریسم در عراق و منطقه. همچنین ما از نظام عراق حمایت سیاسی و عملیاتی می‌کنیم.

در بحبوحه نبرد بزرگ موصل و آزادسازی استان نینوا، معاون رئیس بسیج مردمی عراق (الحشد الشعبی) حتی فرصت سرخاراندن هم ندارد تا چه رسد به اینکه بخواهد مصاحبه کند.
باین حال، روزنامه الاخبار لبنان به دلیل ارتباط نزدیکی که با او دارد مصاحبه‌ای را با او ترتیب داده است.
«جمال محمد جعفر»، معروف به (ابومهندس)، بیش تر نماینده پارلمان بود. او در دوران صدام مجبور شد ۲۰ سال را به صورت اجباری در ایران زندگی کند. روزگاری هم فرمانده «گردان بدر» وابسته به مجلس اعلای عراق بود. او که در دهه ششم از زندگی‌اش به سر می‌برد، تجربه نظامی فراوانی در مبارزه با صدام، آمریکایی‌ها و گروه‌های تروریستی دارد.
ابومهندس اهل بصره است. ابومهندس در این مصاحبه از برنامه‌های حال و آینده نیروهای حشدالشعبی می‌گوید.

ح ابتدا بگویید نقش حشدالشعبی در نبرد موصل چیست؟ آیا وارد شهر می‌شود؟ ارتباط این نیرو با نیروهای کردی، ائتلاف بین المللی و اهل سنت چگونه است؟

حشدالشعبی نقش اصلی را در نبرد موصل بازی می‌کند و به لحاظ استراتژیک نیز مساحت بیشتری به این نیرو سپرده شده است. هدف این نبرد فقط شهر موصل نیست، بلکه آزادسازی شعاع وسیعی از خاک عراق است که به لانه تروریست‌ها تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین آنها مرز با سوریه است که از بقیه مناطق اهمیت بیشتری دارد. وظیفه ما نیست داخل شهر موصل شویم، بلکه وظیفه ما کنترل محور غربی است. رابطه ما با کردها خوب است، حتی ارتباط ما با بعضی از آنها به پیش از سقوط حکومت دیکتاتوری صدام برمی‌گردد. با ائتلاف هیچ همکاری یا گفت‌وگویی نداریم. با نیروهای اهل سنت (الحشدالوطني) هم ارتباط خوبی داریم و احساس می‌کنیم در یک سنگر هستیم.

ح آیا بین حشدالشعبی با ترکیه توافقی امضا شده است؟ آیا ترکیه هم در نبرد موصل حضور خواهد داشت؟

ما هیچ توافقی با آنها نداریم، بلکه موضع ما تابع موضع دولت عراق است و حضور ترکیه را غیرقانونی می‌دانیم.

ح اشاره‌ای به پایان‌نامه‌فروشی‌ها کردید. اطلاعاتی دارید که چه تیپ‌ها و چه کسانی هستند؟ دستگاه فروش اینها چطور کار می‌کند؟
در آغاز روابط شخصی بود. مثلا کسی که بیرون کار می‌کرد و اینجا هم کار می‌کرد و بعد ارجاع می‌داد و می‌گفت بیا دفتر من یا برو فلان جا که مثلا کسانی هستند که آنجا به شما کمک می‌کنند تا این بخش را بنویسی؛ مثلا فصل سه و چهار رساله را بنویسی و آرام‌آرام که استاد کسی را داشت، کار را به آنها واگذار می‌کرد و فرد باید می‌رفت آنها را می‌خرد و پول می‌داد. بعد به اینجا منتهی شد که کل کار را دیگران بنویسند و بعد با این مشتری‌ها که ما برای این بازار تولید کردیم، آنها توانستند بیشتر قوت بگیرند و نهادمندتر شوند و سازمان پیدا کنند و در واقع گردش مالی خیلی خوبی داشته باشند. یکی از این افراد در این مراکز حقوق ناچیزی می‌گیرند و کار می‌کنند تا در جایی رقم که صد تا کارمند برای رساله و مقاله‌نویسی داشت. چگونه این اتفاق می‌افتد. چون تعدادی از نیروی دانشجویی که به آنها مدرک دادیم و تربیت کردیم؛ لیسانس، فوق‌لیسانس، دکترا، بی‌کار هستند و بازار کار ندارند، عمه همین مراکز می‌شوند و آن مراکز اینها را با حقوق ناچیزی استخدام می‌کنند. آقای دکتر عباس کاظمی به اینها می‌گوید کارگران دانشگاهی. بسیاری از این افراد در این مراکز حقوق ناچیزی می‌گیرند و کار می‌کنند تا در واقع امرار معاش کنند و بعضی‌هاپاشان هم فردی کار می‌کنند. مثلا شما به دانشجو می‌گویي مقاله انگلیسی ترجمه کن و دانشجو شما بلد نیست و آموزش ندیده و پیش‌نیازهایش را نگذرانده است و نمی‌تواند ترجمه کند و او یکی را پیدا می‌کند که زبان بلد باشد و برایش ترجمه کند. خب باید یک پولی بدهد. از اینجا یک پروسه فردی شروع می‌شود؛ تکلیف ساده زبان. بعد این می‌تواند در همه در‌س‌ها هم اتفاق بیفتد؛ یعنی کسانی داریم که منفرد کار می‌کنند و می‌خواهند درواقع درآمدی برای ادامه زندگی در این کلان‌شهرها داشته باشند و بخشی هم آرام آرام جذب سازمان‌ها می‌شوند و سازمان تشکیل می‌دهند و دیگر سیستماتیک همه کارها را انجام می‌دهند.

ح باید چه کرد؟

بگیروبیند، آخرین مرحله است. درست این است این بازار را از اساس بخشکانیم؛ یعنی مشتری تولید نکنیم. سیستمی دانشگاهی فراهم کنیم که استاندارد باشد؛ سیستمی که دانشجو دیگر نمی‌تواند به آن بازار مراجعه

ادامه از صفحه ۱۱

همکاری به جای رقابت

یکی از نکات مهم درباره خانم «میرهادی» این است که ایشان می‌توانست مانند بسیاری دیگر از همکارانش، کشور را ترک کند یا در داخل بماند و فقط انتقاد کند اما وی همچنان به فعالیت خود در زمینه آموزش‌وپرورش و سازندگی در عرصه فرهنگ ادامه داد و به تأسیس نهاد پرداخت؛ از جمله شورای کتاب کودک، فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان و امثال آن. اما متأسفانه نوع پذیرش و برخورد ما با خانم «میرهادی» و امثال ایشان، چندان مناسب نبود.

برای مثال هیچ برنامه تلویزیونی‌ای از ایشان دعوت نکرد، یا رسانه‌های رسمی، فعالیت‌های وی را بازتاب ندادند. شاید این انتظار زیادی باشد که فعالیت‌های خانم «میرهادی» و امثال ایشان را در جایی یا رسانه‌ای منعکس کنند. حداقل انتظاری که ما داریم این است که کتابخانه‌های عمومی کشور، حاصل و دستاورد فعالیت‌های ایشان را که فرهنگ‌نامه است، خریداری کنند و در اختیار مراجعان قرار دهند چون اصولا افراد عادی خریدار فرهنگ‌نامه نیستند. حداقل انتظار از نظام فرهنگی کشور این است که کتابشان را بخرند و در اختیار مخاطبان قرار دهند که متأسفانه در این زمینه هم همکاری نکردند. متأسفانه انواع و اقسام مشکلات وجود دارد که این کتاب‌ها یعنی همان کتابی که مجوز وزارت ارشاد را هم دارد، وارد مدرسه نشود و به دست دانش‌آموزان نرسد. خانم «میرهادی» در صفحه اول فرهنگ‌نامه‌شان نوشتند: فرهنگ‌نامه یاور معلمان است مشروط بر اینکه برای استفاده از آن تکلیف داده نشود، نمره داده نشود. کودکان و نوجوانان این سرزمین را یاری کنیم تا با بال‌های فرهنگ خود پرواز کنند. به نظر می‌رسد بین تلقی رایج و تلقی فرهنگ‌میرهادی از آموزش‌وپرورش، فرسنگ‌ها فاصله وجود دارد.

در تلقی رایج، از همه ابزارها برای ارائه یک دیدگاه استفاده می‌کنیم. پس مشخص است کتابی که در صفحه اول آن نوشته شده؛ از من به عنوان نردبان نمرده‌دادن استفاده نکنید، وارد نظام آموزشی ما نمی‌شود. اما علاوه بر اینکه از خانم «میرهادی» در عرصه فرهنگی حمایت نمی‌کنیم و محصول کارشان را هم نمی‌خریم، برخورد بدتری هم با خانم میرهادی و امثال ایشان می‌کنیم و آن هم این است که زمینه کار فرهنگی برای آنها فراهم نمی‌کنیم. آنهایی که از نزدیک با کارهای فرهنگی آشنا و مثلا در سازمان‌های مردم‌نهاد مانند شورای کتاب کودک فعال هستند، می‌دانند این نگاه وجود دارد که نهادهای غیردولتی را باید رصد کرد. یعنی برای آنکه کسی بخواهد در زمینه ادبیات کودکان، کار داوطلبانه انجام دهد، با مشکلاتی مواجه می‌شود. افراد بسیاری خواسته‌اند در کشور بمانند و کار فرهنگی کنند، اما متأسفانه به تلاش و پشتکار افرادی که هنوز هم کار فرهنگی غیردولتی می‌کنند، آفرین گفت؛ از جمله خانم «میرهادی» که تا پیش از بیماری، همچنان و پیوسته سر کارشان حاضر می‌شدند.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های خانم «میرهادی» این بود که تا پایان عمر به شغل معلمی وفادار ماند. وی هیچ‌گاه ادعا نکرد که نظریه‌پرداز است بلکه همیشه تأکید می‌کرد که معلم است. به نظر من درست نیست، فردی با این ویژگی‌ها امکان فعالیت‌های فرهنگی نداشته باشد. البته اکنون که ایشان فوت کرده است، پیام‌هایی می‌دهند یا بزرگداشت‌هایی برگزار می‌کنند که تأثیر چندانی ندارد.

ح نقش ایران را در حشدالشعبی چگونه توصیف می‌کنید. نقش حزب‌الله لبنان چگونه است؟

از همان روز اول اشغال عراق از سوی گروه‌های تروریستی، این جمهوری اسلامی ایران بود که به شکلی فعال و اساسی در این نبرد بزرگ به ما کمک کرد. این در حالی بود که همه عراق را رها کرده بودند. اگر کمک‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی و کارشناسی ایران نبود، ما نمی‌توانستیم خاکمان را از چنگ داعش در آوریم. برادر عزیزم، فرمانده شجاع، قاسم سلیمانی هم نقش برجسته‌ای در پیروزی‌های ما داشت. حزب‌الله هم از نیروهای عراقی حمایت کرده است به‌ویژه با کمک‌های مشورتی، تجربی و آموزشی‌شان. آنها در این راه نیز شهدایی تقدیم کردند.

ح رابطه شما با مرجعیت دینی چگونه است؟

حشدالشعبی، نماینده همه است اما اساس کارش بر سه محور مهم قرار دارد: فتوای مرجعیت، حمایت‌های مردمی و پوشش حکومتی. اگر این سه نباشد حشدالشعبی هم نخواهد بود. رابطه ما با همه گروه‌های سیاسی خوب است.

ح جواب شما به اتهاماتی که علیه‌تان مطرح می‌شود، چیست؟ به‌ویژه اینکه می‌گویند شما قصد دارید وضعیت بوم‌شناسی موصل را تغییر دهید یا جنگ راه بیندازید و…؟

این حشدالشعبی بود که استان‌های الانبار، صلاح‌الدین و دیالی را آزاد کرد و بعد تحویل ساکنانش داد برای مثال، تکریت زادگاه صدام است اما حشدالشعبی آنجا را آزاد کرد و امروز مردم در آنجا در امنیت زندگی می‌کنند.

اکثر ساکنانش به آنجا برگشته‌اند. اینها همان‌طور که گفتید، اتهام‌هایی است که رسانه‌های طرفدار داعش و طرفدار تروریست‌ها هر روز آنها را منتشر می‌کنند. حشدالشعبی امروزه ده‌ها هزار نیرو از رزمندگان اهل‌سنت دارد که در کنار برادران شیعه، ترکمان و ایزدی‌ها می‌جنگند. حتی مسیحیان و کردها از سطوح پایین گرفته تا سطوح فرماندهی در بین ما هستند.

منبع: الاخبار

کسب منزلت اجتماعی دانشگاهی با پول و تقلب

کند. من از سال ۷۹ تا الان که دارم تدریس می‌کنم، شاید حدود بیست رساله راهنمایی کرده باشم و یا در حال راهنمایی هستم، درکل حدود بیست تا کار در این ۱۶ سال داشتم. امکان ندارد دانشجوی من بتواند از بیرون به من مقاله بدهد.

ح این سیستم آموزشی از شما برای این شیوه کیفی حمایت می‌کند؟

سؤال خیلی بازترشی کردید. دقیقاً برعکس؛ یعنی هرقدر این سیستم فاسدتر باشد یا از استانداردها دورتر باشد و شما استانداردها را رعایت کنی، بیشتر طرد می‌شوی. برای اینکه شما باید در چنین سیستمی دالما از دیگران ایراد بگیری؛ چون استانداردها رعایت نمی‌شود. معلوم است چنین آدمی، آدم جالبی نیست؛ به آدمی که مدام ایراد بگیرد، توجه نمی‌شود و خوشایند و دوست‌داشتنی نیست. بعد کار به‌جایی می‌رسد که نه مثلا دانشجو دوست دارد شما داور رساله‌اش بشوید و نه آن همکاری که استاندارد را رعایت نمی‌کند، دوست دارد شما داور رساله شوید. می‌گوید این رساله‌ها را می‌خواند؛ می‌نشیند ۲۰۰ صفحه می‌خواند و ایراد می‌گیرد. در برخی از همین دانشگاه‌ها، استاندارد اصلا این نیست و چنین کاری را ناهنجاری تلقی می‌کنند. این شکل کارکردن نوعی ناهنجاری در خیلی از سیستم‌های دانشگاهی تلقی می‌شود. بنابراین این سیستم، اصلا تشویق‌کننده نیست؛ شما در این سیستم دانشگاهی نه آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده، بلکه به‌طور خودجوش منزوی و طرد می‌شوی. مثلا من به دانشجویان فوق‌لیسانسی که رساله کار می‌کنند، می‌گویم حداقل باید سه ترم کار کنید. به‌اصطلاح ترم اول شناسایی و تهیه منابع و بعد فیش‌برداری و یادداشت‌برداری کنی و ترم دوم شروع کنی به بررسی و دسته‌بندی داده‌ها و تحلیل و نگارش اولیه و ترم سوم گزارش نهایی فراهم کنی و دفاع کنی. این شیوه کار سبب شده گاهی وقت‌ها چهار یا شش ترم یک رساله فوق‌لیسانس طول کشیده است. رساله دکترا در همه جای دنیا پنج تا هفت سال و گاهی ۱۰ سال طول می‌کشد. ما اینجا انتظار داریم دانشجوی دکترا حداکثر در عرض دو سال رساله بنویسد. آنجایی که بعد از ۱۰ سال رساله‌اش را می‌نویسد، روز دفاع چند ناشر آنجا ایستاده‌اند و می‌خواهند با او مذاکره کنند و کارش را منتشر کنند؛ چرا؟ چون آن الان یک کار علمی است. این است که دانشگاه‌های استاندارد دنیا، هابرماس تولید می‌کنند، فوکو، دلوز و از این‌قبیل تولید می‌کنند. بعد من جهان‌سومی، با این استاندارد دانشگاهی افتخارم این است

نگاه

آمریکا دیگر دشمن روسیه نیست

مشکلی بزرگ برای پوتین

«حالا که یک فرد نومحافظه‌کار کاخ سفید را در آمریکا به دست آورده، اکنون کرملین دورنمای سختی برای تطبیق‌دادن خود با وضعیت به‌وجودآمده خواهد داشت». روزنامه گاردین در گزارشی نوشت، «شبکه تلویزیونی دولتی روسیه ۲۴، دو روز قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا شمارش معکوسی را با ساعت و دقیقه تا زمان برگزاری انتخابات نشان می‌داد». این سطح از هیجان و چشم‌انتظاری را پیش از این در زمان برگزاری انتخابات پارلمانی اخیر در روسیه دیده بودیم، اما باوجود همه تحسین‌های دوچانه ردوبدل‌شده میان «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه و «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا. اکنون فضای حاکم در روسیه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بیشتر اکنده از سردرگمی است تا شور و شوق البته پاسخ برخی مقامات سطح پایین‌تر در روسیه همراه با خوشحالی بود. نمایندگان مجلس دومای روسیه پیروزی ترامپ را تقدیر کردند.

«ویکتور نازاروف»، فرماندار منطقه امسک، اعلام کرد: حزب ولادیمیر پوتین موسوم به حزب «روسیه متحد» در آمریکا پیروز شده است. «مارگاریتا سیمونیان»، سردبیر شبکه «راشاتودی»، نیز در توییتر گفت می‌خواهم با ماشین خود در شهر مسکو درحالی‌که پرچم آمریکا از پنجره آن به اهتزاز درآمده، رانندگی کنم.

بااین‌حال، مقامات سطح بالاتر در روسیه واکنشی محتاطانه به نتیجه انتخابات آمریکا نشان دادند. «دیمیتری مدودف»، نخست‌وزیر روسیه، گفت: روسیه مسائل مهم‌تری برای پرداختن دارد تا پیروزی ترامپ در آمریکا. همچنین «سرگنی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه، نیز از مردم کشورش خواست به لفاظی‌های ترامپ اکتفا نکرده و منتظر باشند ببینند او چه کارهایی انجام می‌دهد. «دیمیتری پسکوف»، سخنگوی پوتین، هم گفت: هنوز خیلی زود است بگوییم پیروزی ترامپ باعث تقویت روابط روسیه با آمریکا که به سطح بسیار پایینی رسیده، خواهد شد.

شاید سیاست‌مداری در روسیه این حقیقت را به زبان نیاورد، اما روسیه برای تعامل با پیروزی هیلاری کلینتون در انتخابات آمریکا که موجب تداوم سیاست خارجه فعلی آمریکا و لفاظی‌های تقابلی سیاست‌مداران روسیه برای چند سال دیگر می‌شد، خیلی بیشتر آماده بود.

ماشین تبلیغاتی روسیه باوجود اظهارات علنی در حمایت از ترامپ اصلا انتظار پیروزشدن او را نداشت. هنگامی که انتخابات روز سه‌شنبه در آمریکا آغاز شد، سیمونیان در توییتر نوشت: «دموکراسی آرام بخواب»!

از سال ۲۰۱۲ تاکنون یعنی زمانی که ولادیمیر پوتین به سومین دور ریاست‌جمهوری رسید، اتهام‌زنی علیه نظام آمریکا و گفتن اینکه آمریکا قابل اعتماد نیست در روسیه محبوبیت زیادی پیدا کرد. روسیه در تبلیغات خود اعلام می‌کند آمریکا کشورهایی مثل عراق، لیبی و سوریه را دچار آشوب کرده و می‌خواهد روسیه را هم به همان سرنوشت دچار کند. براساس این گفته، ولادیمیر پوتین تنها کسی بوده که توانسته آمریکا را عقب نگه داشته و روسیه را از فاجعه نجات دهد. درعین‌حال روسیه، آمریکا را متهم



به سازماندهی انقلاب اوکراین و مدیریت عناصر مخالفان روسی می‌کند.

مسکو همچنین واشنگتن را متهم به تشویق اروپا به تحمیل تحریم‌ها علیه خود و پاسخ به بحران اوکراین کرده است. در پنج سال گذشته مفهوم ساده دشمن آمریکایی با زندگی روزمره مردم روسیه عجین شده است. در چند سال گذشته استیکرهای تزیینی خودرو با مضمون‌های توهین به اوباما بسیار رواج یافته و تلویزیون دولتی روسیه همواره تصاویری را از مکان‌هایی مثل کافه‌ها و آرایشگاه‌هایی که در آنها علامتی با جمله «ما اوباما را اینجا نمی‌پذیریم» نصب شده، پخش می‌کند.

پیروزی هیلاری کلینتون در انتخابات آمریکا موجب می‌شد این‌سخت احساسات حفظ شود اما پیروزی ترامپ این دورنما را از بین برد. نمایندگان پارلمان روسیه در حالی ترامپ را به خاطر پیروزی‌اش تشویق کردند که نمی‌دانند او عملا باعث تضعیف نظام سیاسی کشورشان خواهد شد، چراکه روسیه مجبور است بررسی کند حالا که آمریکا دیگر دشمن این کشور نیست، چگونه به مسیرش ادامه دهد.

یک مشکل دیگر هم وجود دارد: پوتین همواره از این لذت می‌برد بخشی از روند نومحافظه‌کارانه جهانی است که زاده نارضایتی از نظم جهانی بوده است؛ نارضایتی‌ای که از ابتدای قرن ۲۱ آغاز شد. روسیه متعلق به پوتین دوست دارد غرب را به‌دلیل علاقه مفرط به حقوق اقلیت‌ها، به سیاست پذیرش مهاجران و دیگر ارزش‌های لیبرال مورد حمله قرار دهد. حالا که غرب برای تعامل با این مسائل، به خودش دل‌مشغولی پیدا کرده و برگزیت و دونالد ترامپ پیروز شده‌اند، کرملین نمی‌داند به کدام سمت برود. کرملین به ترامپ نیاز داشت اما نه به‌عنوان یک برنده، بلکه به‌عنوان یک بازنده. آنها می‌خواستند همچنان بتوانند به مخالفت با جریان اصلی بین‌المللی ادامه دهند نه اینکه خودشان بخشی از آن شوند. اکنون هدف سیاست خارجی اصلی پوتین باید شوریدن علیه ترامپ باشد، زیرا کرملین بدون این کار کسی را برای آنکه مقصر مشکلات روسیه بداند، نخواهد داشت و مقصری به جز خود روسیه نخواهد بود.